

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

فهم قرآن کریم

آیات درس اول و چهارم کتاب درسی

پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه

ویژه مرحله آموزشگاهی مسابقات قرآن



وزارت آموزش و پرورش
معاونت پرورشی و فرهنگی
اداره کل قرآن، عترت و نماز

سوره حدید با یک بخش توحیدی که جامع حدود ((بیست وصف)) از اوصاف الهی است آغاز می شود، اوصافی که شناخت آنها سطح معرفت انسانی را بالا می برد و به ذات مقدس او آشنا می کند، اوصافی که هر کدام به گوشه ای از صفات جلال و جمال او اشاره دارد، و هر قدر اندیشمندان بیشتر در آن بیندیشند به حقایق تازه ای دست می یابند.

چنانکه در حدیثی از امام علی بن الحسین (علیهم السلام) می خوانیم: وقتی درباره توحید از حضرتش سؤال کردند در پاسخ فرمود: ((خداوند متعال می دانست که در آخر زمان اقوامی می آیند که در مسائل تعمق و دقت می کنند، لذا سوره قل هو الله احد و آیات آغاز سوره حدید، تا علیم بذات الصدور، را نازل فرمود، پس هر کس ماورای آنرا طالب باشد هلاک می شود)).

از این حدیث استفاده می شود که این آیات حداکثر معرفت ممکن را به تشنه کامان می دهد.

در ابتدا به ذکر دو وصف از صفات ذات پاک خداوند یعنی «عزت» و «حکمت» پرداخته و می فرماید: «آنچه در آسمانها و زمین است همواره برای خدا تسبیح می گوید، و او است قادری شکست ناپذیر و حکیم».

سپس به برخی صفات دیگر خدا اشاره می کند، ابتدا «مالکیت و تدبیر و تصرفش در عالم هستی» که لازمه قدرت و حکمت است: «برای خدا است مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین» سپس می فرماید: «او است که زنده می کند و می میراند» (و بر هر کار توانا است).

مالکیت خداوند نسبت به عالم هستی مالکیت اعتباری و تشریحی نیست، بلکه مالکیت حقیقی و تکوینی است، یعنی او به همه چیز احاطه دارد و همه جهان در قبضه قدرت او، و تحت اراده و فرمان او است، لذا به دنبال آن سخن از زنده کردن و میراندن و توانائی بر هر چیز به میان آمده است .

و به این ترتیب تا به اینجا شش وصف از اوصاف او بیان شده است . سپس به بیان پنج وصف دیگر پرداخته می فرماید: «او اول است، و آخر است، و ظاهر است، و باطن است، و از همه چیز آگاه است».

توصیف به اول و آخر بودن تعبیر لطیفی است از ازلیت و ابدیت او، زیرا می دانیم او وجودی است بی انتها و واجب الوجود، یعنی هستیش از درون ذات او است نه از بیرون، تا پایان گیرد یا آغازی داشته باشد، و بنابراین از ازل بوده و تا ابد خواهد بود.

او سرآغاز و ابتدای عالم هستی است، و او است که بعد از فنای جهان نیز خواهد بود. بنابراین تعبیر به اول و آخر هرگز زمان خاصی را دربر ندارد و اشاره به مدت معینی نیست. توصیف به ظاهر و باطن نیز تعبیر دیگری از احاطه وجودی او نسبت به همه چیز است، از همه چیز ظاهرتر است چرا که آثارش همه جا را گرفته، و از همه چیز مخفیتر است چون که ذاتش بر کسی روشن نیست.

سپس به پنج وصف دیگر از اوصاف جمال و جلال خدا اشاره شده است. نخست از مسأله خالقیت سخن می گوید و می فرماید: «او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید».

سپس به مسأله حکومت و تدبیر جهان پرداخته، می افزاید: «خداوند بعد از آفرینش جهان بر تخت قدرت قرار گرفت» و زمام حکومت و تدبیر جهان را همیشه در دست داشته و دارد؛ بر خلاف آنچه گروهی از ناآگاهان می پندارند که خداوند جهان را آفریده و به حال خود واگذارده، او همیشه زمام حکومت و تدبیر عالم را در کف قدرت دارد، و وابستگی نظامات این جهان بلکه فرد فرد موجودات به ذات پاکش آنچنان است که اگر یک لحظه نظر لطف از آنها برگیرد، و فیضش را قطع کند ((فروریزند قالبها))!

سپس شاخه دیگری از علم بی پایش را بیان کرده، می افزاید: «آنچه را در زمین نفوذ می کند، آنچه از آن برمی آید، و آنچه از آسمان نازل می شود، و آنچه به آسمان بالا می رود، همه را می داند، و از همه با خبر است»

آنچه در زمین فرو می رود، همچون بذر گیاهان، قطرات باران، ریشه ی درختان، اجساد مردگان، گنج ها و امثال آن؛ و آنچه از زمین خارج می شود، همچون ساقه ی گیاهان و درختان، آب چاه ها و چشمه ها، انواع مواد نفتی و معدنی و امثال آن، همه در نزد خداوند آشکار و معلوم است.

ایمان به علم و حضور خداوند، بهترین و قوی ترین وسیله تربیت است. اگر انسان بداند هر لحظه خداوند با اوست و تمام کارهایش زیر نظر اوست، هرگز اجازه این همه تجاوز و قانون شکنی به خود نمی دهد.

و سپس روی نقطه حساسی تکیه کرده، می فرماید: «او با شماست هر جا که باشید»

«و چون چنین است او به آنچه انجام می دهید بصیر و بینا است»

چگونه او با ما نباشد در حالی که ما نه تنها در وجود که در بقاء خود لحظه به لحظه به او متکی هستیم و از وی مدد می گیریم، او روح عالم هستی است، او جان جهان است، بلکه او برتر از این و آن است!

از زمانی که به صورت ذره خاکی در گوشه ای افتاده بودیم، و از آن لحظه ای که به صورت جنین در شکم مادر قرار داشتیم او با ما بود، و در تمام عمر، و در عالم و برزخ نیز همه جا با ما است، آیا با این حال ممکن است از ما بیخبر باشد؟!

راستی این احساس که او همه جا با ما است از یکسو به انسان عظمت و شکوه می بخشد و از سوی دیگر اطمینان و اعتماد به نفس می دهد و شجاعت و شهامت در او می آفریند، و از سوی سوم احساس مسئولیت شدید می بخشد، چرا که او همه جا حاضر و ناظر و مراقب است، و این بزرگترین درس تربیت است، آری این اعتقاد ریشه اصلی تقوی و پاکی و درستکاری انسان است و هم رمز عظمت و بزرگی او.

بعد از مسأله حاکمیت و تدبیر سخن به مسأله مالکیت او در کل جهان هستی می رسد، می فرماید: «مالکیت آسمانها و زمین از آن او است».

و سرانجام به مسأله مرجعیت او اشاره کرده می افزاید: «و همه کارها به او بازگشت می کند».

آری وقتی او خالق و مالک و حاکم و مدبر ما است و همه جا با ما می باشد مسلماً بازگشت همه ما و همه کارها نیز به سوی او است .

ما رهروان منزل عشق او هستیم که با کوله باری از امید و نیروها از سرمنزل عدم به راه افتاده ایم، و تا به اقلیم وجود اینهمه راه آمده ایم، ما از او هستیم و به سوی او باز می گردیم، چرا که مبداء و منتهی او است .

سپس به دو وصف دیگر نیز اشاره کرده می فرماید: «او شب را در روز، و روز را در شب داخل می کند». آری تدریجاً از یکی می کاهد و به دیگری می افزاید و طول شب و روز را در سال تغییر میدهد، همان تغییری که همراه با فصول چهارگانه سال است با تمام برکاتی که برای انسانها در این فصول نهفته است.

و می افزاید: «و او به آنچه بر دلها حاکم است آگاه است»

در آیات قبل سخن از آگاهی خداوند نسبت به اعمال ما بود (و الله بما تعملون بصیر) و در اینجا سخن از آگاهی او نسبت به نیت و عقائد و افکار ما است (و هو علیم بذات الصدور).

بعد از بیان قسمتی از دلایل عظمت خداوند در عالم هستی و اوصاف جمال و جلال او، اوصافی که انگیزه حرکت به سوی الله است، در اینجا از آنها نتیجه گیری کرده و همگان را دعوت به ایمان و عمل می نماید.

نخست می فرماید: «به خداوند و رسولش ایمان بیاورید».

این دعوت یک دعوت عام است که شامل همه انسانها می شود، مؤمنان را به ایمانی کاملتر و راسختر، و غیر مؤمنان را به اصل ایمان دعوت می کند، دعوتی که توأم با دلیل است و دلالتش در آیات توحیدی قبل گذشت .

سپس به یکی از آثار مهم ایمان که «انفاق فی سبیل الله» است دعوت کرده می گوید: «از آنچه خداوند شما را در آن جانشین دیگران ساخته انفاق کنید».

دعوت به ایثار و فداکاری و گذشت از مواهبی که انسان در اختیار دارد، منتها این دعوت را مقرون به این نکته می کند که فراموش نکنید «در حقیقت مالک اصلی خدا است» و این اموال و سرمایه ها چند روزی به عنوان امانت نزد شما سپرده شده ، همانگونه که قبلا در اختیار اقوام پیشین بود. ایمان به این حقیقت به انسان روح سخاوت و ایثار می بخشد، و دست و دل او را در انفاق باز می کند.

سپس برای تشویق بیشتر می افزاید: «آنهایی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند اجر بزرگی دارند».

در ادامه به صورت یک استفهام توییخی علت عدم پذیرش دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در مورد ایمان به خدا جويا شده، می فرماید: «چه چیز سبب می شود که ایمان به خدا نیاورید در حالی که رسول او شما را دعوت برای ایمان به پروردگارتان می کند، و در حالی که از شما پیمان گرفته است اگر آماده ایمان هستید».

از یکسو پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) با دلایل روشن و آیات و معجزات به سراغ شما آمده، و از سوی دیگر خداوند با نشان دادن آثارش در جهان آفرینش و در درون وجودتان یکنوع پیمان تکوینی از شما گرفته به او ایمان بیاورید، اما شما نه اعتنائی به فطرت و عقل خود دارید، و نه توجهی به مساءله وحی، معلوم می شود اصلا شما حاضر به ایمان نیستید، و جهل و تعصب و تقلید کورکورانه بر فکر شما چیره شده است .

آیه بعد برای تاءکید و توضیح بیشتر می افزاید: «او کسی است که آیات روشن بر بنده خود نازل کرده است، تا شما را از ظلمتهای شرک و جهل و نادانی، به ایمان و توحید و علم، رهنمون گردد، و خداوند نسبت به شما رؤف و مهربان است»

نکته اینجا است که آنها شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) را می دیدند، و دعوت او را بدون هیچ واسطه می شنیدند، و معجزاتش را با چشم مشاهده می کردند، دیگر چه عذری می توانست مانع گردد؟

لذا در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می خوانیم : « ... از همه اعجاب انگیزتر قومی هستند که بعد از شما می آیند و تنها اوراقی را در برابر خود می بینند و به آنچه در آن است ایمان می آورند».

در آیات نخست سوره حدید که مطالعه فرمودید بحث جامع و جالبی پیرامون توحید و صفات خدا دارشت و در حدود بیست صفت از صفات الهی در آن منعکس شد که درک آنها انسان را در سطح بالای معرفت الهی قرار می دهد.

پیام های آیات ۱ الی ۹ سوره حدید

- ❖ قدرتی ارزش دارد که اعمال آن حکیمانه باشد. «هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»
- ❖ همه در محضر خداییم. «وَ هُوَ مَعَكُمْ»
- ❖ خداوند به تمام جزئیات کار ما آگاه است. «وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»
- ❖ خداوند، سرچشمه هستی است، «هُوَ الْأَوَّلُ» و پایان هستی به او باز می گردد.
«وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»
- ❖ هستی دارای هدف و در حرکت به سوی خداوند است. «إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»
- ❖ خداوند هم به کردار ما آگاه است، «بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و هم به افکار و نیات ما.
«عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»
- ❖ هر چه انسان دارد، عاریه و امانت است، مالک اصلی فقط خداست. «جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ»
- ❖ هدف اصلی انبیا، نجات مردم از تاریکی های جهل و شرک و تفرقه است.
«لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»
- ❖ بهترین نشانه رأفت و رحمت الهی، هدایت بندگان است. «لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ إِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَؤُفٌ رَحِيمٌ»

آیات و ترجمه

سوره حدید
آیات ۹-۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه	آیات
آنچه در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می گویند، و او عزیز و حکیم است.	سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾
مالکیت (و حاکمیت) آسمانها و زمین از آن او است، زنده می کند و می میراند، و او بر هر چیز قادر است.	لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢﴾
اول و آخر و ظاهر و باطن او است، از هر چیز آگاه است.	هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣﴾
او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید، سپس بر تخت قدرت قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت) آنچه را در زمین فرومی رود می داند و آنچه را از آن خارج می شود، و آنچه از آسمان نازل می گردد و آنچه به آسمان بالا می رود، و او با شماست هر جا که باشید و خداوند نسبت به آنچه انجام می دهید بیناست.	هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾
مالکیت آسمانها و زمین از آن او است، و همه چیز به سوی او باز می گردد.	لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٥﴾
شب را داخل روز می کند، و روز را داخل شب، و او به آنچه بر دلها حاکم است داناست.	يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٦﴾
به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را نماینده (خود) در آن قرار داده انفاق کنید (زیرا) کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند اجر بزرگی دارند.	آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾
چرا ایمان نیاورید در حالی که رسول (خدا) شما را می خواند که به پروردگارتان ایمان بیاورید و از شما پیمان گرفته است (پیمانی از طریق فطرت و خرد) اگر آماده ایمان هستید.	وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لَتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾
او کسی است که آیات بینات بر بنده اش (محمد) نازل می کند تا شما را از تاریکیها به نور بیرون برد، و خداوند نسبت به شما مهربان و رحیم است.	هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٩﴾



درس چهارم

خطوط اصلی برنامه بندگان مخلص^۱

در این آیات مورد بحث خطوط اصلی برنامه های بندگان راستین و مخلص را طی ۷ دستور بیان می کند که ۴ دستور آن در آیه قبل آمده (تقوی، احسان، هجرت، صبر) و در اینجا به سه دستور دیگر اشاره می کند.

در پنجمین دستور سخن از مسأله اخلاص، و توحید خالص از هر گونه شائبه شرک، به میان آمده، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «بگو: من مامورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دین خود را برای او خالص کرده باشم».

سپس می افزاید: «و مامورم که نخستین مسلمان باشم». در اینجا ششمین دستور یعنی پیشی گرفتن از همگان در اسلام و تسلیم کامل در برابر فرمان خدا مطرح شده است.

هفتمین و آخرین دستور که مسأله خوف از مجازات پروردگار در روز قیامت است نیز با همین لحن عنوان شده، می فرماید «بگو: من اگر نافرمانی پروردگارم کنم از عذاب روز بزرگ قیامت خائفم».

تا این حقیقت روشن شود که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز بنده ای از بندگان خدا است، او نیز مامور به پرستش خالصانه است، او نیز از کیفر الهی خائف می باشد، او نیز مامور به تسلیم در برابر فرمان حق است، و حتی ماموریتی سنگینتر از دیگران دارد که باید از همه پیشگامتر باشد!

او هرگز مدعی مقام الوهیت، و بیرون نهادن گام از مسیر عبودیت نبوده بلکه به این مقام افتخار و مباهات می کند، و به همین دلیل در همه چیز الگو و اسوه می باشد.

او در حقیقت می گوید: من همچون سلاطین جباری که مردم را موظف به وظایفی می کنند و خود را مافوق وظیفه و تکلیف می پندارند نیستم، و این در واقع اشاره به یک مطلب مهم تربیتی است که هر مربی و رهبری باید در انجام دستورات مکتب خویش از همه پیشگامتر باشد، او باید اولین مؤمن به آئین خویش و کوشاترین فرد و فداکارترین نفر باشد، تا مردم به صداقتش ایمان پیدا کنند، و او را در همه چیز «اسوه» خود بشناسند.



بعد از ذکر برنامه هفت ماده ای آیات فوق از آنجا که مسأله اخلاص مخصوصاً در برابر انگیزه های مختلف شرک و ویژگی خاصی دارد بار دیگر برای تأکید به سراغ آن رفته و با همان لحن می فرماید: «بگو تنها خدا را پرستش می کنم در حالی که دینم را برای او خالص می گردانم». «اما شما هر کس را جز او می خواهید پرستید».

سپس اضافه می کند: «بگو این راه راه زیانکاران است، چرا که زیانکاران واقعی کسانی هستند که سرمایه عمر و جان خویش و حتی بستگان خود را در روز قیامت از دست بدهند! آگاه باشید خسران و زیان آشکار همین است»

نه از وجود خویش بهره ای گرفتند، و نه از سرمایه عمر نتیجه ای، نه خانواده و فرزندانشان وسیله نجات آنها هستند و نه مایه آبرو و شفاعت در پیشگاه حق .

در آخرین آیه مورد بحث یکی از چهره های خسران مبین و زیان آشکار آنها را اینگونه توصیف می کند: «برای آنها در بالای سرشان سایبان هایی از آتش، و در زیر پایشان نیز سایبان هایی از آتش است!»

و به این ترتیب آنها از هر طرف با شعله های آتش محاصره شده اند، چه خسرانی از این بالاتر؟ و چه عذابی از این دردناکتر؟!

این در حقیقت تجسمی از حالات دنیای آنها است که جهل و کفر و ظلم به تمام وجودشان احاطه کرده بود، و از هر سو آنها را می پوشاند.

سپس برای تاءکید و عبرت می افزاید: «این چیزی است که خداوند بندگان را از آن بر حذر می دارد اکنون که چنین است ای بندگان من از نافرمانی من بپرهیزید!».

در ادامه آیات، قرآن از روش مقایسه بهره گیری کرده، و در مقابل مشرکان متعصب و لجوجی که سرنوشتی جز آتش دوزخ ندارند سخن از بندگان خاص و حقیقتجوی پروردگار به میان آورده، می گوید: «بشارت باد بر کسانی که از عبادت ((طاغوت)) اجتناب کردند و به سوی خدا بازگشتند».

«اجتناب از طاغوت» دوری از هر گونه شرک و بت پرستی و هواپرستی و شیطان پرستی و تسلیم در برابر حاکمان جبار و سلطه گران ستمکار را فرا می گیرد.

سپس برای معرفی این بندگان ویژه می گوید: «آنها که سخنان را می شنوند، و از نیکوترین آنها پیروی می کنند. آنها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها خردمندان و صاحبان مغز و عقلند».

و از آنجا که پیامبر الهی به هدایت گمراهان و مشرکان سخت علاقه داشت، و از انحراف آنها که گوش شنوا در برابر حقایق نداشتند رنج می برد آیه بعد به او از طریق بیان این حقیقت که این عالم، عالم آزادی و امتحان است، و گروهی سرانجام مستوجب آتشند دلداری داده، می گوید: «آیا تو می توانی کسی را که فرمان عذاب الهی درباره او قطعی و محقق شده نجات دهی؟ آیا می توانی کسی را که در درون آتش است برگیری و بیرون آوری؟!».

جمله ((حقت علیه کلمة العذاب)) (فرمان عذاب الهی درباره او محقق شده) اشاره به آیاتی همچون آیه ۸۵ سوره ص است که درباره شیطان و پیروانش می گوید: لاملئن جهنم منک و ممن تبعک منهم اجمعین: ((بطور مسلم دوزخ را از تو و از پیروان تو پر خواهم کرد!))

بدیهی است قطعی شدن فرمان عذاب درباره این گروه جنبه اجباری نداشته، بلکه به خاطر اعمالی است که مرتکب شده اند، و اصراری است که در ظلم و فساد و گناه داشته اند، به گونه ای که روح ایمان و تشخیص برای همیشه در آنان مرده و وجود آنان یکپارچه وجود جهنمی شده!

اما برای شادی قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیدواری مؤمنان، در ادامه چنین می گوید: «ولی کسانی که تقوای الهی پیشه کردند غرفه هائی در بهشت از آن آنها است که بر فراز آنها غرفه های دیگری بنا شده»

اگر دوزخیان در میان پرده های آتش قرار دارند، و به تعبیر آیات گذشته لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل بهشتیان غرفه هائی دارند بر فراز غرفه ها، و قصرهائی بر فراز قصرها، چرا که دیدن منظره گلها و آب و نهرها و باغها از فراز غرفه ها لذت بخش تر و دلپذیرتر است.

در آیه آخر بار دیگر قرآن به دلائل توحید و معاد باز می گردد، و بحثهائی را که در آیات گذشته پیرامون کفر و ایمان بود تکمیل می کند.

از میان آثار عظمت و ربوبیت پروردگار در نظام جهان هستی، انگشت روی مساءله «نزول باران» از آسمان می گذارد، سپس پرورش «هزاران رنگ» از گیاهان را از این «آب بی رنگ» و طی مراحل حیات، و رسیدن به مرحله نهائی شرح می دهد.

در این آیات در ابتدا خداوند خطوط اصلی برنامه‌بندگان مخلص خود را عنوان می‌کند و سپس در آیات بعد سخن از کسانی می‌کند که به سراغ غیر خدا رفتن، می‌فرماید این شرک هر چه باشد و هر که باشد خودفروشی و خسارت است. انسان باید در معامله یا سود کند یا ضرر نکند و یا لا اقل ضرر کمی بدهد ولی مشرکان، آخرت را می‌بازند و لذا خسران آنان مبین و آشکار است، به علاوه خسارت نفس، در آخرت قابل جبران نیست.

پیام‌های آیات ۱۱ الی ۲۱ سوره زمر

- ❖ رهبر باید در کمالات پیشگام باشد. «أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ»
- ❖ ایمان به عذاب قیامت قوی‌ترین عامل بازدارنده از گناه است. «إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ»
- ❖ یکتا پرستی برجسته‌ترین سخن انبیاست. «قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ»
- ❖ در شیوه‌ی تبلیغ، گاهی تهدید و قهر لازم است. «فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ»
- ❖ خود باختگی، بزرگترین خسارت هاست. «إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ»
- ❖ انسان مسئول خانواده‌ خویش است. «وَأَهْلِيهِمْ»
- ❖ برای کسانی که دیر باورند، سخن حق را تکرار کنیم. «أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ»
- ❖ هشدارهای الهی بر اساس مهر اوست. «يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ»
- ❖ اجتناب از طاغوت، مقدمه توجّه به خداست. «اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»
- ❖ به خوب بودن قانع نباشیم، بهتر بودن را دنبال کنیم. «فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»
- ❖ یکی از راه‌های خداشناسی دقت در پدیده هاست. «أَلَمْ تَرَ»
- ❖ مؤمن، خردمند و کافر، لجوج و بی‌خرد است. «لَذِكْرِى لَأُولَى الْأَبَابِ»

آیات و ترجمه

سوره زمر
آیات ۲۱-۱۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ترجمه	آیات
بگو: من مامورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص نمایم.	قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿۱۱﴾
و مامورم که نخستین مسلمان باشم.	وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۱۲﴾
بگو: من اگر نافرمانی پروردگارم کنم از عذاب روز بزرگ قیامت (او) می ترسم.	قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۱۳﴾
بگو: من تنها خدا را می پرستم، در حالی که دینم را برای او خالص می کنم.	قُلِ اللَّهُ أَعْبَدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ﴿۱۴﴾
شما هر کس را جز او می خواهید پرستید، بگو: زیانکاران واقعی کسانی هستند که سرمایه وجود خویش و بستگانشان را در روز قیامت از دست داده اند آگاه باشید زیان آشکار همین است.	فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿۱۵﴾
برای آنها از بالای سرشان سایبانهایی از آتش، و در زیر پایشان نیز سایبانهایی از آتش است، این چیزی است که خداوند با آن بندگانش را تخویف می کند، ای بندگان من از نافرمانی من بپرهیزید.	لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ ﴿۱۶﴾
کسانی که از عبادت طاغوت اجتناب کردند و به سوی خداوند بازگشتند بشارت از آن آنها است، بنابراین بندگان مرا بشارت ده.	وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿۱۷﴾
کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند، آنها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمندانند.	الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۱۸﴾
آیا تو می توانی کسی را که فرمان عذاب درباره او قطعی شده، رهایی بخشی؟ آیا تو می توانی کسی را که در درون آتش است برگیری و بیرون آوری.	أَقْمِنَ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةَ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ﴿۱۹﴾
ولی آنها که تقوای الهی پیشه کردند غرفه هائی در بهشت دارند، غرفه های دیگری بنا شده، و از زیر آن نهرها جاری است، این وعده الهی است و خداوند در وعده خود تخلف نمی کند.	لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ﴿۲۰﴾
آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرستاد، و آن را به صورت چشمه هائی در زمین وارد نمود سپس با آن زراعتی را خارج می سازد که الوان مختلف دارد بعد این گیاه خشک می شود، به گونه ای که آن را زرد و بیروح می بینی، سپس آن را در هم می شکند و خرد می کند، در این ماجرا تذکری برای صاحبان مغز است.	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مَصْفُورًا ثُمَّ يُجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لَأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿۲۱﴾



ایستگاه تفکر

- باتوجه به صفاتی که برای خداوند در آیات آغازین سوره حدید ذکر شد، بنظر شما شاخص ترین و امیدوارکننده ترین صفت خداوند کدام مورد است؟
- چرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که مامورم که نخستین مسلمان باشم
«وَأْمُرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ»؟
- چرا خداوند زیان مشرکان و گنهکاران را «خسران مبین» توصیف کرده «ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ»؟